

عرفان صدر المتألهين

دکتر غلامرضا مدبر عزیزی



۱۳۸۵

مدیر عزیزی، غلامرضا- ۱۳۳۵

عرفان صدرالمآلهین / تألیف: غلامرضا مدبر عزیزی - مشهد: سخن گستر، ۱۳۸۵.

۲۷۲ ص.

ISBN: 964 - 964 - 477-250 - 4

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱- عرفان. ۲- مذهبی الف، عنوان.

۵ الف ۴ ج / DSR ۲۷۵

کتابخانه ملی ایران

۸/۳۰۰

۸۵-۲۷۰۳۶۰ م



انتشارات سخن گستر

مشهد - بین ابن سینای ۱۶ و پایستور - شماره ۱۷۴

تلفن: ۸۴۳۹۹۵۵

نام کتاب: عرفان صدرالمآلهین

مؤلف: غلامرضا مدبر عزیزی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۸۶

قیمت: ۳۷۰۰ تومان

صفحه‌آرایی: سخن گستر (وجیهه - شکوری)

چاپ: زبان

شابک: ۹۶۴-۴۷۷-۲۵۰-۴

با سپاس از مسئول محترم مؤسسه فرهنگی - هنری چکاد اندیشه فردوس

نشانی مرکز پخش:

خراسان رضوی - شهرستان فردوس - خیابان امام خمینی

مؤسسه فرهنگی هنری چکاد اندیشه

تلفن: ۰۵۳۴۲۲۲۲۲۰۲

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
بخش اول: مروری بر زندگی و اندیشه و آثار صدرالمتألهین.....	۲۱
فصل اول - دوره‌های سه‌گانه زندگی صدرالمتألهین.....	۲۳
فصل دوم - معرفی اجمالی حکمت متعالیه.....	۲۶
تلفیق مشربهای فکری.....	۲۷
چگونگی انجام این تلفیق.....	۲۸
سر توفیق صدرالمتألهین بر این تلفیق.....	۳۰
بخش دوم: عرفان صدرالمتألهین.....	۳۳
فصل اول - بعد عرفانی اندیشه و آثار صدرالمتألهین.....	۳۵
تأثیر استاد.....	۳۵
پشت کردن دنیا به او و آزار ابنای زمان.....	۳۶

۳۷	انزوا و خلوت کهک قم و مجال سلوک باطنی
۳۸	قرابت روح‌های حقیقت جو با عرفان
۳۹	استدلالی نمودن بعضی موضوعات عرفانی
۳۹	بزرگداشت عرفا و عدم انتقاد از آنها
۴۰	تعظیم و تجلیل ابن عربی
۴۱	دفاع از عرفا
۴۳	اصالت دادن شدید ملاصدرا به زهد و عبادت
۴۳	کاربرد و وفور اصطلاحات عرفانی در آثار ملاصدرا
۴۴	شاگردان و پیروان صدرالمتألهین همه عارف مشرب بوده‌اند
۴۴	غلبه بعد عرفانی در بعضی آثار صدرالمتألهین
۴۵	اعتراف صدرالمتألهین بر برخورداری از علم لدنی و اشراق و الهام
۴۸	فصل دوم- ویژگی خاص عرفان صدرانی
۴۸	علم و معرفت ملاک سروری بر موجودات
۴۹	ملاصدرا ایمان را نوعی علم و نور عقلی می‌داند
۴۹	ایمان فقط معرفت قلبی است، عمل به ارکان برای صفای قلب است که معرفت را میسر سازد
۵۰	عارف حقیقی کسی است که معرفت برهانی به حقایق دارد
۵۰	غایت سلوک، رسیدن به معرفت است
۵۱	ریاضت بدون علم و بصیرت باعث اختلال حواس می‌شود
۵۱	رسیدن به کمال عقلی و معرفت ناب عامل اتصال به عالم بالاست
۵۱	علم و معرفت پلی به سوی تهذیب نفس

لذت حاصل از کسب علم برترین لذتها است.....	۵۲
میزان به سلامت گذرکردن از صراط به مقدار معرفت و یقین و بینش فرداست.....	۵۲
عدم معرفت به خدا مرگ همیشگی دل در آخرت است.....	۵۲
ریشه مشاهده و حضور، علم یقینی است.....	۵۲
پیوستها و منابع بخش اول و دوم.....	۵۳
بخش سوم - قسمت اول: مبدا - معاد - صراط.....	۵۵
فصل ۱: هدف از آفرینش هستی.....	۵۷
فصل ۲: اصل تجلی.....	۶۳
فیض اقدس و فیض مقدس.....	۶۴
توضیح درباره اعیان ثابته.....	۶۴
وحدت وجود.....	۶۵
موجودات تجلی اسماء و صفات الهی هستند.....	۶۵
فصل ۳: لیس فی الدار غیره دیار.....	۶۸
فصل ۴: اصالت وجود - وحدت وجود - تشکیک در وجود.....	۷۱
نحوه وجود ممکنات بنابر نظر صدرالمتألهین.....	۷۳
حل مشکل ربط حادث به قدیم و واحد به کثیر.....	۷۳
رد نظریه حلول و اتحاد با استفاده از اصل تجلی.....	۷۴
وجود مطلق و وجود مقید.....	۷۸
تطبیق نظریه خلق مدام عرفا با نظریه حدوث زمانی عالم.....	۷۹

فصل ۵: برهان اتی و لمی، «آفتاب آمد دلیل آفتاب»..... ۸۱

تفسیر ظاهر و باطن بودن حق تعالی..... ۸۳

فصل ۶: وصف سیمرغ..... ۸۵

منابع و پیوست‌های بخش سوم قسمت اول: مبدا..... ۸۸

بخش سوم - قسمت دوم: معاد..... ۹۱

فصل ۱- اصل رجوع به اصل (مسئله غربت انسان در دنیا)..... ۹۳

فصل ۲- همه موجودات عاشق و شیفته خدای تعالی و بسوی او در حرکتند..... ۹۷

فصل ۳- بت پرستان نیز در واقع خدا پرستند..... ۹۹

فصل ۴- جمله عالم عاشقان آن جمال..... ۱۰۱

یا عاشق باش یا دوستدار عشق یا آگاه از آن و گرنه اهل عذاب..... ۱۰۳

اسرار الهی را نباید آشکار کرد..... ۱۰۴

فصل ۵: تسبیح عمومی موجودات..... ۱۰۶

قرب شدید خدا با مخلوقات..... ۱۰۷

اتصال مومن به خدا از اتصال نور خورشید به خورشید شدیدتر است..... ۱۰۸

فصل ۶: حرکت و اشتیاق به معاد و برگشت به جوار خدای تعالی، قطری همه انسانهاست..... ۱۰۹

فصل ۷: فرجام دوزخیان..... ۱۱۲

منابع و پیوست‌های بخش سوم (قسمت ب)..... ۱۱۴

۱۱۵.....	بخش سوم - قسمت سوم: صراط
۱۱۷.....	فصل ۱: معرفت نفس
۱۱۹.....	اهمیت شناختن نفس در آثار صدرالمآلهین
۱۲۰.....	دل مؤمن عرش خداست و گسترده‌ترین پدیده هستی
۱۲۱.....	انسان عالم صغیر و عالم انسان کبیر است
۱۲۲.....	آدم از جنبه جسمانی هم بر ابلیس برتری دارد
۱۲۳.....	انسان کامل مظهر اسم الله است
۱۲۴.....	تجلی انوار حق بر دل سالک
۱۲۵.....	قدرت خلق کنندگی عارف
۱۲۸.....	فصل ۲: حدیث چهل صباح و تأکید بر چله نشینی
۱۳۲.....	فصل ۳: زهد و ریاضت
۱۳۹.....	توصیه صدرالمآلهین به اینکه مطالب مرادراختیار افراد غیرمذهب قرار ندهید
۱۴۰.....	معرفت خداوند تا وقتی که در تخته بند تن اعتکاف کرده‌ای محال است
۱۴۱.....	حکمت رهایی از تعلق به دنیا و تعلق به اخلاق الهی است
۱۴۳.....	فصل ۴: عبادت احرار
۱۴۷.....	فصل ۵: نفعات‌های حق
۱۵۰.....	فصل ۶: سالک مجذوب و مجذوب سالک
۱۵۳.....	فصل ۷: وصف بیداری دل
۱۵۵.....	فصل ۸: قاعده مرگ قبل از مرگ
۱۶۳.....	فصل ۹: مقام فنا

مراتب فنا	۱۶۴
دفاع از منصور حلاج	۱۷۱
فصل ۱۰: بعد ملکوت بینی عرفا	۱۷۲
فصل ۱۱: بیزاری از علوم رسمی	۱۷۹
منابع و پیوست‌های بخش سوم قسمت سوم (صراط)	۱۸۶

بخش چهارم: برداشت‌های عرفانی صدرالمتألهین از آیات قرآن کریم	۱۸۹
صدرالمتألهین و قرآن	۱۹۱
برداشتی عرفانی از آیات اولیه سوره یس (سفر سوم عرفانی)	۱۹۲
برداشتی عرفانی از آیه ۲۶ سوره فاطر (صفت علمای حقیقی)	۱۹۳
برداشتی عرفانی از آیه ۴۰ سوره نور (عالم دنیا طلب جاهلی بیش نیست)	۱۹۳
برداشتی عرفانی از آیه ۱۷ سوره حدید	۱۹۴
برداشتی عرفانی از آیه ۳۲ سوره فاطر (صفت مؤمنین حقیقی)	۱۹۴
برداشتی عرفانی از آیه ۱۳ سوره یس (مدفون شدگان در گور تن)	۱۹۵
برداشتی عرفانی از آیه ۴۳ سوره بقره (نماز عامل انقطاع از ماسوی الله)	۱۹۵
برداشتی عرفانی از آیه ۳۵ سوره نور	۱۹۵
برداشتی عرفانی از آیه ۵۲ سوره فصلت و آیه ۱۸ آل عمران	۱۹۷
برداشتی عرفانی از آیه ۴۷ سوره فرقان (برهان لمی)	۱۹۸
برداشتی عرفانی از آیه ۱۷۲ سوره اعراف (در عالم در انسانها مشاهده جمال خدا کرده‌اند)	۱۹۹
برداشتی عرفانی از آیه ۴۳ سوره اعراف (مقایسه عرفان حضرت موسی با پیامبر اکرم)	۱۹۹

- برداشتی عرفانی از آیه ۲ سوره اسری (برترین مقام توحید)..... ۲۰۰
- برداشتی عرفانی از آیه ۴۳ سوره نحل (منظور از اهل ذکر عرفا هستند)..... ۲۰۱
- تفسیری عرفانی از داستان اصحاب کهف..... ۲۰۱
- تفسیری عرفانی از آیه ۳۰ سوره ابراهیم (کلمه طیبه بذکر محبت الهی در قلب عارف است)..... ۲۰۳
- تفسیری عرفانی از آیه ۶۲ سوره حج (کلمه برای به شدت بخشیدن به محبت خدا تقویت و رشد معرفت به خدای تعالی می باشد)..... ۲۰۳
- برداشتی عرفانی از آیه ۶۵ سوره کهف (عنایت ویژه خدایتعالی)..... ۲۰۳
- برداشتی عرفانی از آیه ۴۴ سوره کهف (آتش محبت)..... ۲۰۴
- برداشتی عرفانی از آیه ۳۵ سوره ابراهیم (پناه بردن به خدا از کفر نفس)..... ۲۰۴
- برداشتی عرفانی از آیه ۷۲ سوره احزاب (تعبیر عرفانی از امانت)..... ۲۰۵
- برداشتی عرفانی از آیه ۱۷ سوره مؤمن (مقام فنا)..... ۲۰۶
- برداشتی عرفانی از آیه ۸۹ سوره قصص (ممکنات هیچگاه به موجودیت متصف نبوده اند)..... ۲۰۷
- برداشتی عرفانی از آیه ۷۷ سوره انعام (گذشتن از حجابهای نوری)..... ۲۰۷
- تعبیری عرفانی از بهشت و جهنم..... ۲۰۸
- برداشتی عرفانی از آیه ۶ سوره ضحی (پیامبر برتر از عالم خاک بود)..... ۲۰۹
- برداشتی عرفانی از آیه ۲۱۳ سوره شعرا (مستهلك شوندگان در علوم رسمی)..... ۲۰۹
- برداشتی عرفانی از آیه ۱۲ سوره حدید (نور معرفت و یقین)..... ۲۱۰
- برداشتی عرفانی از آیه ۸۹ سوره مریم (فرار از خدا به خدا)..... ۲۱۰
- برداشتی عرفانی از آیه ۲۳ و ۲۴ سوره حدید - صفت علمای آخرت..... ۲۱۱
- برداشتی عرفانی از آیه ۱۱ سوره جمعه (بحثی درباره ذکر)..... ۲۱۲

۲۱۲.....	برترین ذکر از نظر ملاصدرا.....
۲۱۳.....	مراتب ذکر و ثمر هر مرتبه.....
۲۱۶.....	منابع و پیوست‌های بخش چهارم.....
۲۱۷.....	بخش پنجم: تأملاتی پیرامون قرابت و همدلی فلسفه و عرفان
۲۱۹.....	تأمل اول: فلسفه چیست؟.....
۲۲۱.....	نگرشی از سرخوش‌بینی به فلسفه.....
۲۲۳.....	فهرست محسنات فلسفه.....
۲۲۷.....	نگاهی به فلسفه از سر بدبینی.....
۲۲۹.....	تأمل دوم: آیا حقیقت دانستنی است یا یافتنی؟.....
۲۳۲.....	تأمل سوم: الف - اکسیر اعظم.....
۲۳۳.....	رابطه عشق با فلسفه.....
۲۳۴.....	ذم عقل و علم و فلسفه در آثار عرفا.....
۲۳۶.....	شیخ فریدالدین عطار.....
۲۳۷.....	محبی الدین بن عربی.....
۲۳۸.....	جلال الدین مولوی.....
۲۴۰.....	شیخ محمود شبستری.....
۲۴۰.....	شیخ بهایی.....
۲۴۲.....	تأمل چهارم: عشق و عرفان با چه عقلی در تضاد است؟.....
۲۴۷.....	تأمل پنجم: وظیفه و شأن فلسفه و فیلسوف در آینده.....

۲۵۲	آینده فلسفه
۲۵۵	منابع و پی نوشت‌های بخش پنجم
۲۵۹	واژه‌نامه عرفانی
۲۶۵	فهرست منابع فارسی
۲۶۸	فهرست منابع عربی
۲۷۰	فهرست اعلام

www.ketab.ir

مقدمه

جستجوی حقیقت و اشتیاق رسیدن به آن از خصلتهای ذاتی و متعالی انسان بوده و هیچگاه بشر نتوانسته خود را از این دغدغه دور نگهدارد و در میان انسانها به همان میزان که درجه استعداد و نبوغ یک فرد بالاتر بوده این مسئله هم بیشتر ذهن و اندیشه او را به خود مشغول داشته و اهمیت بیشتری برایش داشته است.

حاصل این اشتیاق در طول تاریخ پدیدار شدن چهار گونه معرفت در تمدن و فرهنگ بشری بوده که عبارتند از علم، فلسفه، هنر و عرفان.

علم آنگونه معرفت نسبت به جهان و پدیده‌های آن است که از طریق تجربه حسی حاصل شده و لذا این شناخت تنها قلمرو پدیده‌های مادی و محسوس هستی را شامل می‌شود.

فلسفه ره‌آورد دیگر این سیر حقیقت‌جوئی انسان بوده است که معرفتی است براساس قواعد عقلی، فیلسوف از یک سلسله اصول بدیهی آغاز می‌کند و به قواعدی پیچیده‌تر از طریق عقل ره می‌یابد و لذا قلمرو این گونه شناخت امور نامحسوس و غیرمادی را نیز شامل می‌شود.

هنر نگرشی عاطفی و برداشتی براساس احساس و شهودی باطنی نسبت به جهان هستی است تشبیه خون شهید به لاله از این دست است.

هنرمند می‌آفریند زیبایی‌هایی را که باید باشد و نیست. با تشبیه معقول به محسوس حقایق آسمانی را به زمین می‌کشاند تا قابل دسترسی برای درک و احساس انسانها گردد. چهارمین ذخیره از ذخائر و معارف بشری عرفان است.

عرفان مصدري از فعل عرف، يعرف است که معرفت هم مصدر میمی آن است

بنابراین عرفان یعنی شناخت هر چند این کلمه از نظر لغوی معنایی عام دارد و هرگونه معرفتی را شامل می‌شود اما در اصطلاح فرهنگ اسلامی، معنایی خاص و ویژه یافته است. یعنی هرگونه معرفتی و در هر زمینه‌ای را عرفان نمی‌نامند. بلکه عرفان یعنی معرفت به خدای تعالی بنابراین موضوع عرفان شناخت خدای تعالی است اما این کلمه در همین معنای خاص خود هم خاص‌تر شده است. یعنی هرگونه معرفتی را به خدای تعالی عرفان نمی‌نامند فقیه و فیلسوف و مفسر و محدث به خداوند معرفت دارند اما عارف نامیده نمی‌شوند.

نوع معرفت عارف به خدای تعالی

نوع معرفتی که عارف در پی آن است معرفت و علم حضوری به خدای تعالی است در حالی که معرفت فقیه و فیلسوف معرفت و علم حصولی است. عرفان معرفتی است مبتنی بر حالتی روحانی و توصیف‌ناپذیر، احساس با خدا بودن حضور او را در جان و دل خویش ادراک کردن، فضای سینه را نه اینکه از نام او بلکه از خود او انباشتن.

چنان پر شد فضای سینه از دوست که یاد خویش گم شد از ضمیرم
 عرفان نوعی هماهنگی و اتحاد با عالم وجود در رهگذر فنا و فراموش کردن خویش
 است. مستغرق نمودن ماهی جان خویش در دریای قرب الهی است.
 ماهیانیم و تو دریای حیات زنده‌ایم از لطف‌ای نیکو نهاد
 «مثنوی مولوی»

راه حصول این نوع معرفت:

گفتیم علم ابزارش حس و تجربه، فلسفه ابزارش عقل و قواعد بدیهی، هنر ابزارش عاطفه و احساس است، عرفان ابزارش چیست؟ عرفان ابزارش بی‌ابزاری است. به قول مولوی ابزارش دل اسپید همچون برف است.
 دفتر صوفی سواد و حرف نیست جز دل اسپید همچون برف نیست

عارف به جای قلم مصقله بدست می‌گیرد و به جای مداده، مداد پاک کن، عارف نمی‌افزاید، کارش کاستن و پیراستن است و در یک جریان عملی قلبش را آینه و جامی می‌کند که حقایق در آن منعکس می‌گردد. مولوی در دفتر اول مثنوی ضمن طرح یک تمثیل زیبا در بیان این حقیقت در آخر چنین نتیجه می‌گیرد:

رومیان آن صوفی‌اند ای پدر	بی زتکرار و کتاب و بی هنر
لیک صیقل کرده‌اند آن سینه‌ها	پاک زآز و حرص و بخل و کینه‌ها
آن صفای آینه لاشک دل است	کاو نقوش بی عدد را حاصل است
صورت بی صورت بی حد غیب	زآینه دل دارد آن موسی به جیب
اهل صیقل رسته‌اند از بو و رنگ	هر دمی بیند خوبی بی درنگ
نقش و قشر و علم را بگذاشتند	رایت علم الیقین افراشتند
رفت فکر و روشنایی یافتند	نحر و بحر آشنایی یافتند
گرچه نحو و فقه را بگذاشتند	لیک محو و فقر را برداشتند
تا نقوش هشت جنت تافته ست	لوح دلشان را پذیرا یافته ست
صد نشان از عرش و کرسی و خلا	چه نشان بل عین دیدار خدا

بنابراین معرفت عارف روشنایی است که بعد از یک فرایند عملی حاصل می‌شود. عرفان خداشناسی و جهان‌شناسی از طریق خودشناسی و خودسازی است، عرفان سفرنامه سالکان است سفری همیشگی از خاک به افلاک، سفر از جسمانی بودن به سوی لاهوتی شدن، سفری درونی، تحولی وجودی، سفر از نقص به کمال، سفری برای از خود رها شدن، از خود صافی شدن، شیخ محمود شبستری در گلشن راز این حقیقت را این چنین بیان می‌کند:

سؤال: مسافر چون بود رهرو کدام است	که را گویم که او مورد تمام است
جواب: دگرگفتی مسافر کیست در راه	کسی کاو شد زاصل خویش آگاه
مسافر آن بود کاو بگذرد زود	زخود صافی شود چون شعله از دود
سلوکش سیرکشفی دان زامکان	سوی واجب به ترک شین و نقصان

ارتباط عرفان با دیگر معارف:

برخلاف پندار برخی ناآگاهان و سخن بعضی عارف نمایان، عرفان انتطاع و ترک و نفی علم و فلسفه و دیگر معارف و ابعاد وجودی انسان نیست عرفان مرحله کمال و پختگی کلیه ابعاد وجودی انسان و معارف اوست، عشق و عرفان مرحله نفی و محو عقل نیست بلکه مرحله فروزانی و کمال عقل است، عشق و عرفان مرحله به بارنشینی و ثمربخشی علوم و کمالات مختلفی است که انسان قبلاً کسب نموده است.

عارف پیش از هر کسی زیبایی‌ها و شگفتی‌ها و نظم طبیعت را می‌شناسد و در آن به تأمل می‌نشیند و هر ذره‌ای از جهان را آئینه چهره‌نمای حق می‌بیند فیلسوفی است که اسب تعقل‌اش تا دورترین عرصه‌های ماورای ماده تاخته و به عالم غیب همچون عالم شهادت یقین آورده است عرفان مقام نفی علم و فلسفه نیست مقام منور نمودن آن دو به نور الهی است، عارف دیدگانش را با سرمه حقیقت و معنویت برای نظاره آثار صنع خدای تعالی پرفروغ نموده است.

عارف از شریعت منقطع نمی‌شود تا به طریقت پیوندد عارف شریعت را رنگ طریقت می‌بخشد تا به کوی حقیقت راهی داشته باشد، عارف از کعبه نمی‌برد تا به روم برسد بلکه کعبه را به روم می‌برد تا روم را رنگ کعبه ببخشد و کعبه را به عطر عشق و سرمستی معطر نماید. (داستان شیخ صنعان منطق‌الطیر عطار)

عارف عبادات را ترک نمی‌کند تا اهل حال و حضور قلب گردد بلکه عبادات خویش را توأم با عشق و سرمستی و اخلاص و حضور قلب می‌گرداند.

اگر کشتی سیر انسان در طریق علم جوئی، تأملات فلسفی، عدالت گستری و اصلاح جامعه و پرورش ابعاد مختلف وجودی خویش بر صراطی مستقیم باشد باید سرانجام در ساحل مصفای عرفان لنگر بیندازد، درآمدن در ساحل و ساحت عرفان هم دورشدن و منقطع شدن با گذشته و دیگر ابعاد و معارف نیست بلکه همه آنها را هدفدار نمودن و عطر اخلاص پاشیدن و معنادار نمودن است.

و اغلب بزرگان تاریخ که شاگردان موفق مکتب انبیاء بوده‌اند چنین سیری را در زندگی خویش داشته و طی کرده‌اند.

یکی از این انسانهای موفق و پیروز صدر المتألهین است و عرفانی را که در او می‌توانیم مشاهده کنیم آنچنان که بعداً بر آن استدلال خواهیم نمود عرفانی با مشخصات فوق است.

به نظر نگارنده عرفان مثبت که نشأت گرفته از تعالیم ناب انبیاء است حاق و حقیقت دین و دینداری و هدف از خلقت انسان و تنها وظیفه او در دنیا است.

«یوم لاینفع مال و لابنون الا من اقی الله یقلب سلیم»

«شعر ۸۹۰»

در فرهنگ ما صدر المتألهین بیشتر در صیغه و جلوه فلسفی خود معرفی شده است و به حق هم جنبه غالب در شخصیت و اندیشه او فیلسوف بودن اوست اما در جای جای اندیشه و آثار و رفتار او، رگه‌های طلایی عرفانی منور به نور علم و استدلال و منطبق با شریعت مقدس اسلام موج می‌زند. این بنده ناچیز خداوند در این نوشته کوشیده است این نابغه بزرگ را که به حق از افتخارات فرهنگ و تمدن اسلامی است. از این منظر معرفی نماید و در معرض تماشای مشتاقان قرار دهد. مسلم است که عرفان را از زبان فیلسوفی فقیه شنیدن، عرفانی منزّه و مبرا از انحرافات و کجی‌ها و تحریف‌ها و جهالت‌های عارف نمایان بی‌درد و نادان خواهد بود، هم‌چنان که خود او در کتاب کسر الاضنام الجاهلیه، ابراهیم‌وار بر شکستن این بت‌ها تیر برکشیده و طریقه و راه و رسم آنان را محکوم نموده است.

در پایان این مقدمه لازم می‌دانم مراتب امتنان و سپاس بیکران خودم را به محضر اساتید گرانقدری که سالها از خرمن فضل و دانش‌شان خوشه برچیده‌ام ابراز نمایم: آقای دکتر رضا داوری، آقای دکتر کریم مجتهدی، آقای دکتر ابراهیمی دینانی و استاد گرانقدر شیرین گفتار حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر علی شیخ الاسلامی که بقای عمر و صحت و عزّت آنان را از خداوند حکیم مسئلت دارم

از رهگذر خاک سرکوی شما بود هر ناله که در دست نسیم سحر افتاد
و من الله التوفیق و علیه التکلان

تهران - خرداد ماه ۱۳۷۵

مدبّر عزیزی